

۳۱

اسکن شد
تاریخ ۸۱/۷/۳۷

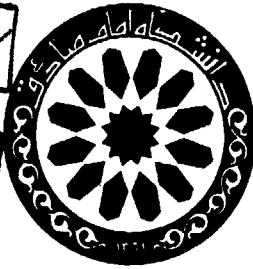


ع. ۹۷۳

۱۳۸۱ / ۳ / ۲۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۱۷۴
شماره ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد

رساله دکتری الهیات (گرایش فقه و اصول)

مجلس اساتید هیات علمی ایران
تعمیرات و بازسازی

۱۳۸۱ / ۳ / ۲۰

سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه

یعمقوبعلی برجی

استاد راهنما:

آیة الله باقری کنی

۴۰۹۷۳

بهار ۱۳۸۰

۴۰۹۷۳



وزارت اطلاعات
پایگاه اطلاع‌رسانی علمی ایران
مجلس خبرگان

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و مدیریت

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

رساله دکتری الهیات (گرایش فقه و اصول)

سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه

یعقوبعلی برجی

استاد راهنما:

آیة الله باقری کنی

اساتید مشاور:

حضرت آیة الله مهدوی کنی

حجة الاسلام سیدحسین مصطفوی

بهار ۱۳۸۰

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه
دکتری برای دانشگاه امام صادق (علیه السلام) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع
است.



امام صادق

باسمه تعالی

شماره
تاریخ
پست
.....

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی رساله آقای **یعقوبعلی برجی**

تحت عنوان " **سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه** "

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند

اعضای هیأت داوران نام و نام خانوادگی رتبه علمی محل امضاء

- | | | | | |
|--------|--|----------|-----------------------------|--|
| ۲۸۰/۲ | | دانشیار | حضرت آیه ... باقری کنی | (۱) استاد راهنما : |
| | | استاد | حضرت آیه ... مهدوی کنی | (۲) استاد مشاور : |
| ۱۳۸۰/۴ | | دانشیار | حجه الاسلام سید حسین مصطفوی | (۳) استاد مشاور : |
| | | استادیار | دکتر حسین هوشنگی | (۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده : |
| | | | | (۴) اساتید ناظر : |

- | | | |
|--|----------|------------------------------------|
| | دانشیار | (۱) آیه ... سید محسن مرعشی |
| | استادیار | (۲) حجه الاسلام سید احمد علم الهدی |
| | استادیار | (۳) حجه الاسلام غلامرضا مصباحی |
| | استاد | (۴) آقای دکتر ابوالقاسم گرجی |

تهران - بزرگراه شهید عمران - پل مدیریت - ص پ ۱۵۹ - ۱۴۶۵۵ تلفن ۵-۸۰۹۴۰۰۱ فاکس ۸۰۹۳۴۸۴

چکیده:

«ولایت فقیه»، همزاد فقه است که متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی دوره‌های مختلف، مراحل مختلفی از رشد و بالندگی را طی کرده است. در دوره آغازین اجتهاد (مرحله اول) اصل ولایت فقیه از نگاه فقیهان امری مسلم تلقی می‌شده است. و بر مبنای همین اعتقاد پذیرش ولایت از جانب سلاطین جور را به عنوان استیفای بخشی از حقوق خود پذیرا می‌شدند. در مرحله دوم (عصر صفویه) به دلیل روی کار آمدن حکام شیعی صفوی و تغییر وضعیت شیعیان از اقلیت تحت فشار به اکثریت حاکم، اوضاع سیاسی جهت طرح انظار فقیهان در مسأله ولایت فقیه مساعدتر گردید. محقق کرکی به صراحت «ولایت انتصابی عامه فقیه» را اعلام کرد. و محقق اردبیلی و دیگر فقیهان این دوره نیز بر همین نظریه پای فشردند. در این دوره نسبت به رفتار سیاسی فقیهان شاهد شکل‌گیری نظریه سلطنت مآذون هستیم. در مرحله سوم محقق نراقی بحث مستقل و مفصلی از «ولایت عامه انتصابی فقیه» را ارائه داد. پس از این محقق نواندیش، نظریه ولایت فقیه، به عنوان قاعده فقهی در کتاب‌های «قواعد فقهی» راه پیدا کرد و آراء محقق نراقی محور بحث و گفتگو قرار گرفت. و برای نخستین بار دو دیدگاه در مسأله ولایت فقیه پیدا شد: یکی دیدگاه «ولایت انتصابی عام فقیه» و دیگری دیدگاه «ولایت محدود فقیه».

در مرحله چهارم (دوره مشروطه) نیز همان دو دیدگاه که از زمان محقق نراقی ظهور کرده بود طرفداران خود را داشت. در مرحله پنجم معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی ره، هم ابتکار تبیین نوین و جامع از ولایت فقیه را در عرصه نظر به عهده گرفت و هم برای نخستین بار نظامی مبتنی بر ولایت فقیه را در ایران برپا ساخت. در این مرحله، آن دیدگاه انتقادی که معتقد به ولایت فقیه در امور حسبیه بود ادامه پیدا کرد و فقیهانی همچون آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی از آن دفاع کردند. همچنین در این دوره دیدگاه سوم و چهارمی با عنوان‌های «ولایت انتخابی فقیه» و «نظارت فقیه» پا به عرصه نهاد.

واژه‌های کلیدی: ولایت، حکومت، ولایت فقیه، فقه سیاسی، انتصاب.

انتخاب، امور حسبیه، قواعد فقهیه، ولایت عامه، سلطان مآذون.

الخلاصه:

لقد طوت ولايه الفقيه التي ولدت مراحل مختلفه من النمو و التطور متناسب مع ظروف السّياسيه و الاجتماعيه لتلك العصور. في مرحله ابتداء الاجتهاد (المرحله الاولى) كان اصل ولايه الفقيه امراً مفروغاً عنه في نظر الفقهاء، و طبقاً لهذا الاعتقاد فإن قبول الولايه من قبل سلاطين الجور كان بمصابه استيفاء لبعض حقوقهم و في مرحله الثانيه (العصر الصفوي) و بسبب تصدّي الصفويين الشيعة للحكم و تبدل وضع الشيعة من اقليه خاضعه الى اكثرته حاكمه فان الاوضاع السّياسيه ساعدت الفقهاء على طرح مساله ولايه الفقيه و قد أعلن المحقق الكركي بصراحه ((الولايه العامه الانتصايه للفقيه)) ثم أكد المحقق الاردبيلي و بقيه فقهاء هذه مرحله على هذه النظرية و قد برز في هذه الفتره نظريه السلطه المأذونه على صعيد تعامل السّياسى للفقهاء.

و في مرحله الثالثه عرض المحقق النراقي بحثاً مستقلاً و مفصلاً عن ((الولايه العامه الانتصايه للفقيه))، و قد شقت نظريه ولايه الفقيه طريقها بعد زمن هذا المحقق المبتكر لتصبح قاعده فقيهه في الكتب الخاصه بها و أصبحت آراء المحقق النراقي محوراً للبحث. و برز لأول مره رأيان في مسأله ولايه الفقيه، احدهما ((الولايه العامه الانتصايه للفقيه)) و الأخرى ((الولايه المحدوده للفقيه)).

و في مرحله الرابعه (عصر المشروطه) كان لكل من الرأيين الذين ظهرا منذ زمن المحقق النراقي انصاراً. و في مرحله الخامسه، قام قائد الثورة الاسلاميه، الأمام الخميني (قدس سره) بعرض ابتكار لبيان جديد و جامع عن ولايه الفقيه و كذلك فقد أسس في ايران نظاماً قائماً على نظريه ولايه الفقيه و قد استمر في هذه مرحله الرأى الناقد الذي يعتقد بولايه الفقيه في الامور الحسينيه و دافع بعض الفقهاء مثل آيه الله الحكيم و آيت الله الخويي عنها و ظهر ايضاً في هذه مرحله الرأي الثالث و الرابع تحت عنواني ((ولايه الفقيه الانتصايه)) و ((نظاره الفقيه)).

لغات المفتاحيه:

ولايه الفقيه، الفقه السّياسى، سلاطين الجور، السلطه المأذونه، الامور الحسينيه، ولايه الفقيه الانتصايه،

إشراف الفقيه، القوائد الفقيهيه.

فهرست مطالب

۱	مقدمه:
۱۱	مرحله اول: دوره آغاز اجتهاد (از شیخ مفید تا محقق کرکی)
۱۲	مقدمه: شؤون و اختیارات پیامبر اسلام (ص)
۲۱	فصل اول: نگاهی به شرایط سیاسی - اجتماعی این دوره
۲۲	۱-۱- پیدایش حکومت‌های شیعه در جهان اسلام
۲۴	۲-۱- تأسیس حکومت ایلخانی
۲۷	فصل دوم: ولایت فقیه از نگاه فقیهان این دوره
۲۷	۱-۲- نقش کلینی و شیخ صدوق در حفظ روایات ولایت فقیه
۲۹	۲-۲- ولایت فقیه از نگاه فقیهان این دوره
۳۰	۱-۲-۲- دیدگاه فقیهان این دوره درباره حکومت‌های جور
۳۴	۲-۲-۲- دیدگاه فقیهان این دوره درباره ولایت فقیه
۶۴	فصل سوم: ولایت فقیه در عرصه عمل
۶۴	۱-۳- اعمال ولایت فقیه در عصر حضور
۶۶	۲-۳- اعمال ولایت فقیهان در عصر آغاز اجتهاد
۷۲	۳-۳- ولایت فقیه در عرصه عمل در عصر ایلخانان
۷۸	۴-۳- مبنای رفتار سیاسی فقیهان شیعه در این دوره
۸۱	فصل چهارم: روند تحول نظریه ولایت فقیه و نقش علامه حلی، محقق حلی و شهید اول در آن
۹۷	مرحله دوم: دوره صفویه (از محقق کرکی تا محقق نراقی)
۹۸	فصل اول: نگاهی به شرایط سیاسی و اجتماعی دوره صفویه
۱۰۲	فصل دوم: ولایت فقیه از نگاه فقیهان این دوره
۱۰۲	۱-۲- ولایت فقیه از نگاه محقق کرکی
۱۱۲	۲-۲- ولایت فقیه از نگاه محقق اردبیلی

فصل سوم: ولایت فقیه در عرصه عمل	۱۲۰
۱-۳- مبنای پذیرش ولایت از سلاطین صفوی	۱۲۰
۲-۳- محقق کرکی	۱۲۱
۳-۳- دیگر فقیهان عصر صفوی و اعمال ولایت	۱۲۵
فصل چهارم: روند تحول نظریه ولایت فقیه و نقش فیض کاشانی، وحید بهبهانی و کاشف الغطا در آن ..	۱۳۱
مرحله سوم: دوره قاعده مندلی نظریه (از محقق نراقی تا محقق نائینی)	۱۵۵
فصل اول: ولایت فقیه از نگاه فقیهان این دوره	۱۵۶
۱-۱- نقش محقق نراقی در تثبیت نظریه ولایت فقیه	۱۵۶
۱-۱-۱- مستندات روایی ولایت فقیه	۱۵۷
۲-۱-۱- طرح ولایت فقیه به عنوان قاعده کلی فقهی	۱۶۸
۳-۱-۱- اصل عدم ولایت	۱۷۰
۴-۱-۱- تبیین شؤن و اختیارات ولی فقیه	۱۷۱
۲-۱- ولایت فقیه از نگاه صاحب جواهر	۱۷۴
۱-۲-۱- ابهام در مسأله ولایت فقیه	۱۷۴
۲-۲-۱- انواع حاکم ها	۱۷۵
۳-۲-۱- ولایت عامه انتصابی فقیه	۱۸۴
۴-۲-۱- بداهت ولایت فقیه	۱۸۶
۵-۲-۱- ضرورت شرعی ولایت فقیه	۱۸۸
۶-۲-۱- ادله ولایت فقیه	۱۸۹
فصل دوم: پیدایش دیدگاه های انتقادی در مسأله ولایت فقیه	۱۹۷
۱-۲- ولایت فقیه از نگاه سید میر عبدالفتاح حسینی	۱۹۷
۲-۲- ولایت فقیه از نگاه شیخ انصاری	۲۰۶
۳-۲- ولایت فقیه از نگاه سید محمد آل بحر العلوم	۲۲۴
مرحله چهارم: دور مشروطه (از محقق نائینی تا امام خمینی)	۲۳۵
فصل اول: نگاهی به شرایط سیاسی و اجتماعی این دوره	۲۳۶
فصل دوم: ولایت فقیه از نگاه فقیهان این دوره	۲۴۰
۱-۲- ولایت فقیه از نگاه محقق نائینی	۲۴۰
۲-۲- ولایت فقیه از نگاه آخوند خراسانی	۲۴۷
۳-۲- ولایت فقیه از نگاه محقق اصفهانی	۲۵۱

۲۵۴	۴-۲- ولایت فقیه از نگاه فقیه مجاهد عبدالحسین لاری
۲۶۴	مرحله پنجم: دوره درخشش ولایت فقیه در میدان عمل
۲۶۲	فصل اول: ولایت فقیه از نگاه امام خمینی
۲۶۳	۱-۱- تبیین ولایت فقیه قبل از پیروزی انقلاب
۲۶۴	۱-۱-۱- ضرورت تشکیل حکومت
۲۶۴	۱-۱-۲- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی
۲۶۸	۱-۱-۳- مبنای مشروعیت حکومت اسلامی
۲۶۹	۱-۱-۴- ولایت فقیه
۲۹۳	۲-۱- تبیین ولایت فقیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی
۲۹۷	۳-۱- شهید مصطفی خمینی
۳۰۰	فصل دوم: ولایت فقیه از نگاه فقیهان معاصر امام
۳۰۰	۱-۲- ولایت انتصابی فقیه
۳۰۱	۱-۲-۱- آیت الله العظمی بروجردی
۳۰۴	۱-۲-۲- آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی
۳۰۵	۱-۲-۳- آیت الله سید عبدالاعلی موسوی سبزواری
۳۰۷	۱-۲-۴- علامه شهید مرتضی مطهری
۳۱۶	۲-۲- ولایت فقیه در امور حسبیه
۳۱۶	۱-۲-۲- آیت الله سید محسن حکیم
۳۲۰	۲-۲-۲- آیت الله العظمی خویی
۳۲۴	۳-۲- ولایت انتخابی فقیه
۳۴۱	۴-۲- نظارت فقیه
۳۵۲	نتیجه گیری
۳۸۱	فهرست منابع

مقدمه:

موضوع تحقیق:

اندیشه سیاسی شیعه در موضوع رهبری سیاسی با عناوین گوناگون در علوم مختلف اسلامی مطرح شده است. در سه علم عرفان، کلام و فقه از رهبری جامعه با عنوان «ولایت» بحث شده است و در علوم دیگر با عناوین دیگر از آن یاد شده است. از آنجا که محور اصلی مباحث این رساله را «ولایت فقیه» تشکیل می‌دهد، لذا پیش از ورود به بحث، لازم است از میان کاربردهای گوناگون ولایت معنای مورد نظر از «ولایت»^(۱) را روشن نماییم.

در سه علم عرفان، کلام و فقه از ولایت بحث شده است. در عرفان ولایت را به سه قسم ولایت الهیه، ولایت بشریه و ولایت مَلَکِیَه تقسیم کرده‌اند، و ولایت بشریه را نیز به دو قسم ولایت عامه و ولایت خاصه تقسیم کرده‌اند.

۱- در لغت ولایت از ریشه «وَلَى»، به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد آمده است، و به همین مناسبت در معنای قرب، نصرت، محبت، تدبیر و امارت نیز به کار رفته است. راغب اصفهانی نوشته است: «الولاء والتوالی ان یحصل شیئان فصاعداً حصولاً لیس بینهما ما لیس بينهما ویستعار ذلك للقرب من حیث المكان ... والولاية النصرة والولاية تولی الامر، وقیل الولاية والولاية نحو الدلالة والدلالة وحقیقته تولی الامر؛ «ولاء وتوالی به معنای قرار گرفتن دو چیز و بیشتر در کنار یکدیگر است به نحوی که چیز دیگری میانشان فاصله نیندازد و آن استعاره از قُرب مکانی آورده شده است ... ولایت به (کسر واو) به معنای نصرت است و ولایت (به فتح واو) به معنای تصدی و صاحب اختیاری یک کار است و گفته شده معنای هر دو - همانند دلالت و دلالت - یکی است و حقیقت آن همان تصدی و صاحب اختیاری است.» راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن (مکتبه المرتضویه)، ص ۵۷۰.

فیروزآبادی نیز ولایت (به کسر واو و فتح آن) را همسان پنداشته و آن را به معنای امارت و سلطنت تفسیر کرده است. فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴ (بیروت، دارالجیل)، ص ۴۰۴. فیومی نیز ولایت (به کسر واو) را به معنای تولیت و امارت تفسیر کرده است. فیومی، المصباح المنیر، ج ۱ - ۲ (قم، منشورات دارالهجره)، ص ۶۷۲. ابن منظور از ابن سکیت نقل کرده است که ولایت (به کسر واو) به معنای سلطنت و ولایت (به فتح واو) به معنای نصرت است. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵ (بیروت، دار احیاء التراث العربی)، ص ۴۰۱.

بنابراین بی‌گمان یکی از معانی ولایت همان صاحب اختیاری، امارت، سلطنت و اولویت در تصرف است. ولایت مورد نظر ما در این رساله همین معناست. و در آیات قرآن نیز ولایت به همین معنا استعمال شده است. مانند آیه شریفه «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» سوره احزاب، آیه ۶: «انما ولیکم الله ورسوله ...» سوره مائده، آیه ۵۵: «... در احادیث معصومان (ع) به ویژه در نهج البلاغه و اژه ولایت و دیگر مشتقات آن در معنای سرپرستی، اولویت تصرف، زعامت سیاسی، سلطنت و امارت فراوان به کار رفته است. حضرت امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «فقد جعل الله سبحانه لی علیکم حقاً بولاية امرکم؛ «همانا خداوند برای من بر شما چون حکمرانی شما را به عهده دارم حق گذاشته است.» نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۳۳۲؛ و نیز رک: نامه ۵۳، ص ۴۴۱، ۴۲۷، ۴۳۲ و خطبه ۲۱۶، ص ۳۳۳. بی‌شک منظور از ولایت در این جمله همان حکومت و زعامت سیاسی است.

مراد از ولایت عرفانی به شکل مطلق همان ولایت بشریه خاصه است. به عقیده عارفان، عارف در سلوک معنوی خود پس از طی منزل «سفر از خلق به حق» به مقام رفیع «فناى در حق» می‌رسد. فناى سالک در حق موجب می‌گردد که حق تعالی در او تجلی کرده، متخلق به صفات ربوبی گردد و با حق متحد شود؛ اتحاد رقیقه و حقیقه و در نتیجه متعین به تعینات ربانیه گردد و به مقام بقای بالحق و صحو بعد از محو نائل گردد.^(۱)

پس ولایت عرفانی عبارت است از «فناى در حق»، لذا ابن عربی نوشته است:

«والولی هو الفانى فى الله القائم به الظاهر باسمائه وصفاته»^(۲)

ولایت مطلقه، رفیع‌ترین مرتبه ولایت بشری و از فروع ولایت مطلقه الهیه است.^(۳) عارفان مسلمان، ولایت محمدیه را مصداق اتم ولایت مطلقه دانسته و آن را ولایت خاصه می‌نامند و ولایت دیگر سالکان عامه نامیده می‌شود. عارفان شیعه ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را از سنخ ولایت محمدیه می‌دانند.^(۴) به عقیده عارفان زمین هرگز از وجود صاحب ولایت مطلقه خالی نمی‌ماند. صاحب ولایت ممکن است ظاهر و آشکار باشد و ممکن است از دیده‌ها غایب باشد.^(۵) صاحب ولایت مطلقه تنها از جانب خداوند تعیین می‌شود و علاوه بر ولایت تکوینی، صاحب تدبیر دولت ظاهری و دنیای مردم نیز می‌گردد.^(۶)

اما در «کلام» شیعه، ولایت غالباً به معنای امامت به کار می‌رود. بر این اساس ولایت یک مسأله اعتقادی و کلامی است نه یک مسأله عملی و فقهی. مراد از ولایت در علم کلام استمرار کلیه شؤون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به استثنای نبوت، در جانشینان بر حق ایشان است. شرایط جانشینان بر حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عبارت است از: عصمت، علم غیب و نصب خاص.

در علم کلام از ولایت فقیه به صراحت سخن به میان نیامده است، اما در اثبات ضرورت امامت به قاعده لطف تمسک شده و عده‌ای از متکلمان قاعده لطف را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که هم ضرورت امامت را در عصر حضور اثبات می‌کند و هم ضرورت ولایت فقیه را در عصر غیبت. لیکن عمده بحث‌های ولایت در کلام مربوط به عصر حضور است که از حوزه مباحث این رساله

- ۱- میرزا احمد آشتیانی، رساله الولایه، مجله نور علم، شماره ۷، ص ۱۳۵، محمد داود قیصری، شرح فصوص الحکم، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی (تهران، ۱۳۷۵ ش)، ص ۱۴۶، ۱۴۸.
- ۲- محی‌الدین عربی، التجلیات الالهیه، تحقیق اسماعیل یحیی (تهران، ۱۳۶۷ ش)، ص ۲۹۹ - ۳۰۱.
- ۳- قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۱۴۷.
- ۴- سید حیدر آملی، نص النصوص فی شرح فصوص الحکم، تصحیح هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، (تهران، ۱۳۶۷ ش)، ص ۱۶۸.
- ۵- شمس‌الدین محمد لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ص ۲۳۱.
- ۶- قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.

خارج است. لذا متون کلامی از منابع درجه دوم این رساله محسوب می‌شود.

سومین علمی که ولایت در آن به کار رفته علم فقه است. در ابواب مختلف فقه از ولایت سخن به میان آمده از جمله در «احکام اموات» از اولیای میّت که در قیام به امور میت از قبیل غسل، کفن، دفن و... ولایت دارند و در کتاب «صلاة» از ولایت پسر بزرگتر در ادا کردن نماز و روزه‌های فوت شده پدر مرحوم، در «شروط متعاقدين» از ولایت پدر وجد پدری بر فرزندان صغیر، سفیه و مجنون، در کتاب «قصاص» از ولایت اولیای دم نسبت به قصاص یا ديه، در کتاب «وصیت» از ولایت وصی در امور تعیین شده در متن وصیت‌نامه، در کتاب «وقف» از ولایت متولی وقف در اوقاف عام و در بسیاری از ابواب فقه از ولایت حاکم شرع در امور حسبيه یا در کلیه شؤون سیاسی، اجتماعی مردم بحث شده است.

طرح ولایت فقیه در متون فقهی در مواردی است که اجرای یک حکم اسلامی منوط به حضور حاکم عادل و در حوزه اختیارات حاکم عادل باشد. به عقیده فقیهان شیعه در عصر حضور امامان معصوم علیهم‌السلام تنها مصداق حاکم عادل، امامان علیهم‌السلام هستند و در عصر غیبت امامان معصوم علیهم‌السلام، بسیاری از فقیهان، فقیه عادل را مصداق حاکم عادل معرفی کرده‌اند. مباحث فقهی که می‌توان این موضوع را در آن جستجو کرد عبارت است از اقامه نماز جمعه، گردآوری زکات و خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضا، اجرای حدود و تعزیرات، اجرای قصاص، وصیت، ارث، خراج اراضی و...

ولایت در تمام مواردی که در فقه بکار رفته جزو احکام^(۱) وضعی^(۲) اعتباری^(۳) فقه محسوب شده است و نسبت به مولی علیهم به دو قسم خاصه^(۴) و عامه تقسیم می‌شود. ولایت فقیه خود از قسم ولایت عامه است.

ولایت فقیه در منابع فقهی در دو حوزه کاملاً متفاوت به کار رفته است؛ ولایت بر امور حسبيه و ولایت به معنای حاکمیت سیاسی. ولایت بر امور حسبيه مربوط به افراد محجور و ناتوان است و برای حفظ حقوق مردگان، سفیهان، صغیران و دیگر افراد محجور تشریح شده است. و ولایت به معنای حاکمیت سیاسی و تدبیر امور، مربوط است به اداره جامعه خردمندان و به منظور اجرای احکام اسلام و تأمین مصالح مادی و معنوی جامعه اسلامی تشریح شده است. لازم به

- ۱- مباحث فقهی ذرعام‌ترین تقسیم به عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم می‌شود و ولایت جزو قسم چهارم یعنی احکام است.
- ۲- احکام شرعی به دو قسم احکام تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شود و ولایت یکی از احکام وضعی مانند صحت، فساد و... است.
- ۳- امور بر دو قسم اند یا حقیقی و تکوینی هستند و یا اعتباری و ولایت از امور اعتباری عقلایی است که مورد امضای شرع واقع شده است.
- ۴- در ولایت خاصه، ولایت به مولی علیهم خاص منحصر است ولی در ولایت عامه، ولایت از حیث مولی علیهم عام است و همه مردم را شامل می‌شود.

یادآوری است که تفاوت موجود میان این دو نوع ولایت به تفاوت در سعه و ضیق متعلق‌ها بر می‌گردد نه به تباین مفهومی میان آن دو نوع ولایت؛ به عبارت دیگر ولایت در تمام این موارد به معنای اولویت تصرف و تصدی و امارت بر شوون غیر است. چه در حوزه امور حسبیه باشد و چه در حوزه سیاست و تدبیر امور جامعه.^(۱)

روش تحقیق:

روش تحقیق در این رساله را می‌توان (کتابخانه‌ای - توصیفی) دانست که برای سامان‌یابی نهایی دو مرحله گردآوری و داوری را گذرانده است. در مرحله اول با جستجو در منابع و مصادر مرتبط تمام اطلاعات و آگاهی‌های لازم را گرد آوریم و پس از اطمینان از دستیابی به اطلاعات لازم با تکیه بر قواعد اصولی و فقهی به داوری نشستیم، در پرتو آنها داده‌های منابع و مصادر را دسته‌بندی، نقد و تحلیل کرده‌ایم.

منابع تحقیق

چنانکه گذشت منبع اصلی ما در این پژوهش منابع فقهی است. در این تحقیق بیش از ۱۰۰ منبع دست اول فقهی از آغاز عصر اجتهاد تاکنون مورد مطالعه و تفحص قرار گرفته است که بعضی از این منابع چندین مجلد است مانند جواهرالکلام ۴۳ جلد، مجمع الفائدة والبرهان ۱۰ جلد،

۱- علاوه بر سه علم عرفان، کلام و فقه مباحث سیاسی مربوط به رهبری جامعه در متون حکمت عملی نیز مطرح شده است. فیلسوفان اندیشه‌های سیاسی خود را درباره رهبری جامعه در کتاب‌های حکمت عملی و در قسمت سیاست مُدُن نگاشته‌اند. با توجه به اینکه مباحث سیاست و رهبری در حکمت عملی به گفته خواجه نصیرالدین طوسی: «به موافقت و مخالفت مذهبی و نحلتی تعلق ندارد». لذا بررسی اندیشه سیاسی فیلسوفان از حوزه مباحث این رساله که مربوط به سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه است خارج خواهد بود. گرچه به مناسبت‌های گوناگون اندیشه سیاسی فیلسوفان مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین متون حکمت عملی را نیز می‌توان به عنوان یکی از منابع رساله محسوب داشت.

بخشی از اندیشه‌های سیاسی مسلمانان در موضوع رهبری جامعه، در اندرزنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها منعکس است. این کتاب‌ها بیشتر از پندنامه‌ها و سخنان حکیمان ایران پیش از اسلام تأثیر پذیرفته و گاه با آیات قرآنی و احادیث معصومان: و سخنان بزرگان علم و سیاست اسلامی مزین شده است. در این رساله به دسته‌ای از این اندرزنامه‌ها که مباحث مربوط به ولایت فقیه را متعرض شده‌اند، استناد شده است. لذا این رساله‌ها و کتاب‌های مستقل را می‌توان یکی از منابع درجه دوم این رساله محسوب کرد.

کتاب‌های تاریخی نیز یکی دیگر از منابع اندیشه‌های سیاسی مسلمانان در موضوع رهبری جامعه به شمار می‌آید. زیرا بعضی از کتاب‌های تاریخی افزون بر اطلاعات مربوط به روش عملی حاکمان در اداره سرزمین‌های اسلامی، دربردارنده اظهارنظرها و تحلیل‌هایی از مسایل سیاسی هستند (مانند تجزیه الأمصار و تجزیه الأعصار، معروف به تاریخ و صاف نوشته فضل بن عبدالله شیرازی و کتاب تاریخ اولجايتو، نوشته ابوالقاسم قاشانی و...). به آن دسته از متون تاریخی که رفتار سیاسی فقهای شیعه را به تصویر کشیده یا درباره مسأله ولایت فقیه گزارش‌هایی ارائه داده‌اند در این رساله استناد شده است. لذا متون تاریخی نیز یکی از منابع این رساله به حساب می‌آید.

الحدائق الناضرة ۲۵ جلد، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ جلد و... و همچنین منابع بسیار فراوان روایی، تفسیری، عرفانی، کلامی، حکمت، تاریخ، اندرزنامه‌ها و... به عنوان منابع فرعی در این پژوهش مورد استفاده واقع شده است.

سابقه تحقیق

بحث «ولایت فقیه» از آغاز اجتهاد در کتاب‌های فقهی راه پیدا کرد، لیکن با کمال تأسف به هنگام تنظیم دسته‌بندی باب‌های فقهی، باب خاصی به این موضوع مهم و حیاتی اختصاص نیافت و فقیهان در باب‌های گوناگون فقه، هر جا که اجرای حکمی منوط به اذن حاکم بود، از ولایت فقیه بحث کردند. از زمانی که محقق نراقی مباحث مربوط به ولایت فقیه را جمع‌آوری کرد و فصل جداگانه‌ای از کتاب ارزشمند «عوائد الایام» را به این موضوع اختصاص داد، سر فصلی از توجه و اهتمام به این موضوع را رقم زد و از آن پس پژوهش‌های مربوط به ولایت فقیه در کتاب‌های «قواعد فقه» نیز راه یافت و فقیهانی همچون میرفتاح حسینی مراغی در «العناوین» و سید محمد آل بحر العلوم در «بلغة الفقیه» و... به پیروی از نراقی قاعده‌ای را به این موضوع اختصاص دادند. پس از آن که شیخ انصاری نظرات خود درباره ولایت فقیه را در کتاب مکاسب ارائه داد مباحث مربوط به ولایت فقیه تا حد زیادی در «کتاب البیع» متمرکز شد و فقیهان پس از شیخ پژوهش‌های خود در موضوع ولایت فقیه را در حاشیه کتاب البیع شیخ انصاری بیان کردند. با طرح استوار ولایت فقیه از سوی امام خمینی و عینیت یافتن این اندیشه سیاسی، حکومتی در ایران، موضوع ولایت فقیه در مقیاس گسترده‌ای مورد توجه واقع شد و اندیشه‌وران، فقیهان و سیاسیون داخلی و خارجی با حساسیت زیادی مسأله را پی‌گیری کردند و طرح مباحث و سؤالات متنوع و جدید آغاز شد و پژوهش‌های زیادی به صورت کتاب و مقاله در عرصه فرهنگ مکتوب حضور پیدا کرد. این دوره را به لحاظ منبع‌شناسی می‌توان تک‌نگاری‌های متعدد درباره این موضوع دانست. تک‌نگاشته‌های دو دهه اخیر را به سه گروه کلی می‌توان تقسیم کرد.

گروه اول کتب و مقالاتی که در نفی ورد نظریه ولایت فقیه نگاشته‌اند و قصد آن‌ها نفی نظری حکومت دینی، انکار سابقه نظریه، یا محدود ساختن اختیارات حاکم اسلامی و نفی شرط فقاقت و... برای حاکم اسلامی است. مانند کتاب: «حکمت و حکومت» نوشته دکتر مهدی حائری یزدی. فصلی از این کتاب به نقد و بررسی ادله ولایت فقیه و فصلی نیز به ناسازگاری مفهوم ولایت فقیه با جمهوری اسلامی اختصاص یافته است. «پاسخ‌های هزار ساله... از کلینی تا خمینی» نوشته شجاع‌الدین شفا. نویسنده در کتاب به نقد و بررسی آموزه‌های سیاسی و حکومتی امام خمینی

اندرزنامه‌ها و... به عنوان منابع فرعی در این پژوهش مورد استفاده واقع شده است.

پرداخته است. «الخمینی بین الدین والدوله» نوشته عبدالجبار محمود العمر. نویسنده به نقد افکار سیاسی امام خمینی به ویژه نقد کتاب ولایت فقیه پرداخته است.

گروه دوم کتاب‌ها و مقالاتی است که در تشریح و تبیین و دفاع از مبانی حضرت امام خمینی در این موضوع نگارش یافته‌اند. تعداد این کتب نسبت به کتاب‌های دو گروه دیگر بیشتر است. گروه سوم کتاب‌هایی است که به طور مستقل به موضوع پرداخته‌اند و در باره ولایت فقیه و ابعاد آن بحث کاملاً علمی عرضه کرده‌اند.

ضرورت تحقیق

از آن جا که پژوهش‌های انجام گرفته در موضوع ولایت فقیه هدایت شده نبوده و بر مبنای سیاست‌گذاری و طرح‌های از پیش تعیین شده انجام نگرفته است بلکه هر کس طبق تشخیص خودش و بر اساس احساس و وظیفه‌ای که داشته اقدام به تدوین کتاب در بعدی از ابعاد موضوع کرده است. در نتیجه بسیاری از آثار ارائه شده تکراری و سطحی است، در بعضی از ابعاد موضوع بیش از اندازه نیاز کتاب و مقاله نوشته شده و بعضی از ابعاد موضوع مورد غفلت واقع شده و پژوهش بایسته‌ای در آن صورت نگرفته است.

یکی از ابعادی که در موضوع ولایت فقیه آنچنان که بایسته است مورد توجه واقع نشده سابقه مسأله و سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه است. تعدادی از منتقدان، نظریه ولایت فقیه، را از ابتکارات امام خمینی به شمار آورده‌اند و تعدادی هم که خواسته‌اند سابقه موضوع را بیان کنند، در نهایت سابقه موضوع را به محقق نراقی رسانده‌اند و هیچ‌کدام حق مطلب را ادا نکرده و به صورت سطحی از کنار مسأله گذشته‌اند. و به سؤالات و ابهاماتی که درباره سابقه مسأله بوده پاسخ روشن و قانع‌کننده نداده‌اند. این پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به انبوه سؤالات و ابهام‌هایی که درباره سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه وجود دارد، سامان گرفته است. امیدواریم که توانسته باشیم گامی هر چند کوچک در جهت روشن شدن بعضی از ابعاد نظریه ولایت فقیه برداشته باشیم. بخشی از سؤال‌هایی که در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم عبارتند از:

ولایت فقیه از چه زمانی در کتاب‌های فقهی راه یافته است؟ تاکنون چه تحولاتی در این نظریه ایجاد شده است؟ چه عواملی در تحول این نظریه دخالت داشته است؟ شرایط سیاسی - اجتماعی تا چه حد در تحول این نظریه دخیل بوده است؟ چه کسانی در تحول این نظریه نقش داشته‌اند؟ با توجه به این که در لسان روایات اجرای بخش بزرگی از احکام به «حاکم شرع» واگذار شده است، از نگاه فقیهان شیعه در عصر غیبت امام زمان (عج) چه کسانی حاکم شرع

هستند وگستره اختیاراتی که در این دوره برای «حاکم شرع» قایل شده‌اند تا چه میزان است؟ آیا سلاطین و حاکمان عرفی نیز در عصر غیبت از مصداق‌های «حاکم شرعی» هستند؟ چه نوع حکومت‌هایی از نگاه فقیهان مصداق «حکومت جائز» است؟ به عقیده فقیهان مبنای همکاری و پذیرش ولایت از جانب سلاطین و حاکمان جائز چیست؟ استقرار حکومت شیعی در ایران عصر صفوی چه تأثیری در تحول نظریه ولایت فقیه داشته است؟ مهم‌ترین نظریه پردازان ولایت فقیه در این دوره چه کسانی بوده‌اند و چه ابتکاراتی در این زمینه داشته‌اند؟ فقیهان در حکومت صفویه چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ بر چه مبنایی فقیهان با دولت صفویه همکاری می‌کرده‌اند؟ آیا فقیهان این دوره، سلاطین صفوی را مصداق حاکم شرعی می‌دانستند یا مصداق حاکم جائز؟ آیا فقیهان قایل به تفکیک میان شرعیات و عرفیات بوده‌اند؟ محقق نراقی چه ابتکاراتی در نظریه ولایت فقیه داشته است؟ چرا بعد از محقق نراقی نظریه ولایت فقیه مورد نقد و مناقشه قرار گرفت؟ مهم‌ترین چهره‌هایی که دیدگاه‌های انتقادی نسبت به این نظریه داشتند چه کسانی هستند؟ مهم‌ترین شبهات و اشکالاتی که نسبت به نظریه ولایت فقیه در این دوره شده است، چیست؟ صاحب جواهر رحمته‌الله در تثبیت و تبیین نظریه ولایت فقیه چه نقشی را ایفا کرده است؟ چرا صاحب جواهر مدعی بداهت و ضرورت نظریه ولایت فقیه شده است؟ آیا نهضت مشروطه تأثیری در تحول نظریه ولایت فقیه داشته است؟ آیا تفکر ولایت‌مداری در گرایش‌های مختلف نسبت به مشروطه تأثیر داشته است؟ چگونه معتقدان به ولایت فقیه با مشروطه کنار آمدند؟ محقق نائینی در سازگاری نظریه ولایت فقیه با مشروطه چه نقشی داشته است؟ امام خمینی رحمته‌الله در تحول نظریه ولایت فقیه چه نقشی داشته است؟ آیا در این مسأله، در دیدگاه پیش از انقلاب و پس از انقلاب امام خمینی رحمته‌الله تحولی مشاهده می‌شود؟ نظریه امام خمینی رحمته‌الله درباره ولایت فقیه در شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری داشته است؟ مهم‌ترین ابتکارات امام خمینی رحمته‌الله در نظریه ولایت فقیه چیست؟ و...

مروری بر فصل‌های رساله

این پژوهش به منظور آزمودن فرضیه‌های مطروحه شکل گرفته است. فرضیه‌هایی که درصدد آزمودن آن‌ها برآمده‌ایم بدین شرح است:

- ۱- نظریه «ولایت فقیه» در طول تاریخ سیری مستمر و روندی رو به گسترش داشته است.
- ۲- در آغاز فقیهان قلمرو اختیارات ولی فقیه را در لابه‌لای ابواب مختلف فقهی بیان کرده‌اند.
- ۳- محقق کرکی با طرح نیابت عامه فقیه این نظریه را به مرحله جدیدی وارد ساخت.

۴- محقق نراقی این نظریه را به عنوان قاعده‌ای فقهی مطرح و ابعاد جدیدی از این نظریه را بیان کرد.

۵- با ظهور امام و معماری انقلاب زحمات هزار ساله فقیهان به ثمر نشست.

این پژوهش براساس تقسیم‌بندی نسبتاً جا افتاده‌ای از تحولات سیاسی مناطقی که تعداد قابل توجهی از شیعیان در آن جا زندگی می‌کردند و فقیهان شیعه در آن مناطق حضور فعال داشته‌اند؛ به پنج مرحله زیر تقسیم شده است.

مرحله اول: دوره آغاز اجتهاد (از شیخ مفید تا محقق کرکی)

مرحله دوم: دوره صفویه (از محقق کرکی تا محقق نراقی)

مرحله سوم: دوره قاعده‌مندی نظریه (از محقق نراقی تا محقق نائینی)

مرحله چهارم: دوره مشروطه (از محقق نائینی تا امام خمینی)

مرحله پنجم: دوره درخشش ولایت فقیه در میدان عمل

مرحله اول به لحاظ زمانی بین قرن چهارم تا دهم را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل اول به بررسی شرایط سیاسی - اجتماعی این مرحله اختصاص دارد. این دوره به دو برهه زمانی تقسیم می‌شود، برهه‌ای که امپراطور اسلام (خلافت عباسی) دچار ضعف و سستی شده و دولت‌های کوچکی در هر سو سربرداشته بودند و در همین برهه است که شاهد شکل‌گیری چند سلسله از حکومت‌های شیعی هستیم مانند آل بویه، حمدانیون، فاطمیان در مصر، علویان در طبرستان و... برهه دوم انقراض سلسله عباسیان و تأسیس حکومت سلسله ایلخانان است. در فصل دوم دیدگاه فقیهان این دوره در مسأله ولایت را مطرح کردیم. با توجه به مقتضیات عصر غیبت و شرایط خاص سیاسی ناشی از روی کارآمدن حکومت‌های مختلف سؤال‌های اصلی مورد ابتلاء در این دوره در موضوع رهبری دو دسته بود. دسته‌ای درباره همکاری با دولت‌های جور و دسته‌ای درباره ولایت فقیه دیدگاه فقیهان این دوره را درباره مسائل مورد ابتلاء در هر دو برهه زمانی مطرح و تحلیل کرده‌ایم. فصل سوم این مرحله درباره رفتار سیاسی فقیهان این دوره است. با جمع‌آوری شواهد و دلایل از آثار فقهی فقیهان این دوره ثابت کرده‌ایم که مبنای اصلی همکاری و پذیرش ولایت از جانب حاکمان جور در این دوره اصل ولایت فقیه است. و برپایه اصل ولایت فقیه، پذیرش ولایت از حاکمان جور در حقیقت استیفای بخشی از حقوقی است که معصومان علیهم‌السلام به فقیهان تفویض کرده‌اند.

در فصل چهارم این مرحله به نقش علامه حلی، محقق حلی و شهید اول در تکامل نظریه ولایت فقیه پرداخته‌ایم. و با نقل شواهد فراوان از متون فقهی این سه فقیه نامدار؛ نشان داده‌ایم که

یکی از ویژگی‌های مکتب فقهی این سه فرزانه سخت‌کوش، روح ولایتمداری در سرتاسر فقه آنان است که نقش مهمی در روند تحول نظریه ولایت فقیه ایفا کرده است.

مرحله دوم «سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه» اختصاص به عصر صفویه دارد. در این دوره به دلیل قدرت یافتن حکام شیعی صفوی و تغییر وضعیت شیعیان از اقلیت تحت فشار به اکثریت حاکم، سؤال اصلی و مطرح این عصر علاوه بر سؤال‌های مرحله اول، چگونگی مشروعیت بخشیدن به سلطنت افراد غیر معصوم بود.

فصل اول این مرحله را به شرایط سیاسی اجتماعی این دوره و چگونگی روی کارآمدن صفویه و مهاجرت علما از جبل عامل به ایران اختصاص داده‌ایم. فصل دوم به طرح دیدگاه فقیهان این دوره در مسأله ولایت فقیه پرداخته‌ایم. نشان داده‌ایم که در این مرحله محقق کرکی بارها بر نیابت عامه فقیه تأکید کرده و بر مبنای عموم نیابت احکامی را که در فقه از اختیارات امام معصوم علیه السلام شمرده شده برای نایب او نیز مطرح می‌سازد. و برای اثبات نیابت عامه فقیه به اجماع و روایات استدلال کرده است. یکی دیگر از فقیهان که در این فصل انظارش را مورد توجه قرار داده‌ایم محقق اردبیلی است. این فقیه نواندیش برای اثبات ولایت فقیه علاوه بر ادله نقلی و اجماع، نخستین فقهی است که به دلیل عقلی نیز تمسک کرده است. فصل سوم را به ولایت فقیه در عرصه عمل اختصاص داده‌ایم و پس از نقل نمونه‌هایی از همکاری فقیهان با سلاطین صفوی و پذیرش ولایت از سوی آنان، به مبنای رفتار سیاسی آنان پرداخته‌ایم. با نقل شواهد تاریخی ثابت کرده‌ایم که فقیهان این دوره اصل ولایت فقیه را آنچنان برای سلاطین صفوی جا انداخته بودند که آنان برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود مجبور بودند به عنوان نایب و کارگزار فقیه بر اریکه قدرت تکیه زنند و قدرت را از دست مجتهد تحویل بگیرند.

در فصل چهارم این مرحله انظار چند تن دیگر از فقیهانی که در نظریه ولایت فقیه ابتکاراتی داشته‌اند مطرح کرده‌ایم از جمله فیض کاشانی، وحید بهبهانی، کاشف الغطاء، میرزای قمی، سید کشفی و...

مرحله سوم این پژوهش با عنوان «دوره قاعده‌مندی نظریه» مشخص شده است. این مرحله به لحاظ تحولات سیاسی از زمان استقرار دولت قاجار شروع می‌شود و تا دوره مشروطه ادامه دارد. فصل اول به طرح دیدگاه فقیهان این دوره درباره ولایت فقیه پرداخته‌ایم. اولین فقهی که در این دوره از آن یاد کرده‌ایم محقق نراقی است. محقق نراقی برای نخستین بار بحث مستقل و مفصلی از ولایت فقیه را عرضه کرد. ولایت عامه انتصابی فقیه را در قالب یک قاعده کلی مطرح کرد و به تفصیل ادله روایی نظریه را عنوان کرد و در پایان فهرستی از شئون و اختیارات را که در

سرتاسر فقه به عهده فقیه گذاشته شده را در یک جا جمع آوری کرد.

در ادامه فصل دیدگاه محمدحسن نجفی صاحب کتاب کم نظیر جواهرالکلام را مطرح کرده ایم و با جمع آوری و نظام بخشی به نظراتی که در سرتاسر فقه مطرح کرده انظار وی را درباره ولایت عامه انتصابی فقیه و نوآوری های او را در این مسأله نشان داده ایم. فصل دوم را به طرح دیدگاه های انتقادی در مسأله ولایت فقیه اختصاص داده ایم. محقق نراقی با اظهار نظر صریح و قاعده مند در مسأله ولایت فقیه و جمع آوری دلایل و فروع آن، زمینه بحث و انتقاد درباره این نظریه را فراهم ساخت. و فقیهان بعد از وی به طرح و بررسی نظر وی پرداخته اند. در این فصل انظار محقق مراغی، شیخ انصاری، سید محمد آل بحرالعلوم را بررسی کرده ایم. مرحله چهارم این پژوهش را به عصر مشروطه اختصاص داده ایم. در فصل اول به انقلاب مشروطه به عنوان سرنوشت سازترین حادثه سیاسی، اجتماعی این دوره پرداخته ایم و در فصل دوم با دلایل و شواهد ثابت کرده ایم که یکی از مشترکات مشروطه خواهان و مشروطه طلبان اصل ولایت فقیه است. فقیهانی که با انظارشان در ولایت فقیه در این فصل آشنا خواهیم شد عبارتند از محقق نائینی، محقق خراسانی، محقق اصفهانی، عبدالحسین لاری و...

مرحله پنجم این پژوهش را با عنوان «دوره درخشش ولایت فقیه در میدان عمل» نام گذاری کرده ایم. در فصل اول به طرح و بررسی دیدگاه امام خمینی ره پرداخته ایم و انظار امام را در دو قسمت و به ترتیب تاریخی از کتاب هایش گزارش کرده ایم.

در قسمت اول به تبیین ولایت فقیه قبل از پیروزی انقلاب اختصاص دارد و قسمت دوم به تبیین ولایت فقیه پس از انقلاب اسلامی اختصاص دارد. فصل دوم این مرحله به طرح دیدگاه فقیهان معاصر امام درباره ولایت فقیه پرداخته ایم. انظار فقیهان را در سه نظریه جمع کرده ایم: ۱- نظریه انتصابی فقیه. انظار فقیهانی مانند آیت الله بروجردی، شهید آقا مصطفی خمینی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری در این قسمت مطرح کرده ایم. ۲- ولایت فقیه در امور حسبه که انظار آیت الله حکیم و آیت الله خویی در این قسمت بیان کرده ایم. ۳- ولایت انتخابی فقیه. ادله طرفداران این دیدگاه را در این قسمت بررسی کرده ایم.